



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نقش پول در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: علی ظریف

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۲	مقدمه
۳	اهمیت پول در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا
۴	برخی از حامیان مالی دونالد ترامپ
۵	برخی از حامیان مالی جو بایدن
۵	انتخابات پیش رو
۶	نتیجه گیری



انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تاکنون با مباحث زیادی آمیخته شده است و تحلیل‌گران از زوایای گوناگون به زوایای پیدا و پنهان این مباحث پرداخته‌اند. یکی از جنجالی‌ترین مباحث این انتخابات تامین منابع مالی کاندیداهای دموکرات و جمهوری‌خواه از سوی افراد سرشناس و ثروتمند و شرکت‌های بزرگ چند ملیتی است. توانایی فراهم کردن سرمایه لازم را می‌توان مهم‌ترین شرط پیروزی در انتخابات آمریکا دانست. انتخابات آمریکا، به علت وسعت این کشور و مدت طولانی رقابت نامزدها با یکدیگر به عنوان گران‌ترین انتخابات در سراسر دنیا شناخته می‌شود. یک بررسی ساده نشان می‌دهد نتایج انتخابات آمریکا به شکل انکار ناپذیری آلوده به دلارهای خرج شده در طول رقابت‌های انتخاباتی است و آنچه در نهایت تعیین‌کننده است نه دیدگاه واقعی اکثریت، بلکه ریخت‌وپاش‌هایی است که مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در نهایت فرد مورد نظر سرمایه‌داران بزرگ و شرکت‌های بزرگ چندملیتی به مقام رئیس‌جمهوری آمریکا می‌رسد. آمریکا شاید تنها کشور جهان است که هیچ محدودیت قانونی در زمینه خرج ثروت شخصی برای کارزارهای انتخاباتی وضع نکرده است. ده سال پیش بود که دیوان عالی این کشور در یکی از جنجالی‌ترین تصمیم‌های تاریخ آمریکا حکم داد که هرگونه ایجاد محدودیت در زمینه هزینه کردن در انتخابات خلاف اصل آزادی بیان است. کارزار انتخاباتی باراک اوباما در سال ۲۰۰۸ بیش از هر نامزد دیگری در تاریخ انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا کمک مالی گرفت و پول خرج کرد و نهایتاً پیروز شد. هشت سال بعد دونالد ترامپ علاوه بر هزینه‌های سرسام‌آور حزبی، شصت و شش میلیون و یک صد هزار دلار از ثروت شخصی‌اش را در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری خرج کرد و او هم به نتیجه دلخواهش رسید. حالا پس از چهار سال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شهریور ماه گذشته اعلام کرد مایل است یکصد میلیون دلار از پول خودش را برای کمپین انتخاباتی خود هزینه کند.

نوشتار پیش‌رو، به بررسی هزینه‌های انتخاباتی و نقش پول در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا می‌پردازد.

اهمیت پول در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

پایگاه اطلاع رسانی "گلوبال ری سرچ" در گزارشی به نقش پول در انتخابات آمریکا تاکید می‌کند و می‌نویسد: در آمریکا رسم شده است که شما برای پیروزی در انتخابات باید پول خرج کنید آن هم پول خیلی زیاد. ظهور "سوپر پک‌ها" یا کمیته‌های فعالیت سیاسی هم برای پول خرج کردن است. سوپرپک‌ها بوجود آمده‌اند تا پول‌ها، بیشتر و بیشتر خرج شود. سوپر پک‌ها، کمیته‌هایی هستند که با گرفتن کمک مالی از هر کسی، آن را به نامزدهای انتخاباتی می‌رسانند تا با خرج کردن آن برای خود تبلیغ کنند. اما یک مشکل وجود دارد، و آن اینکه، با وجود این سوپر پک‌ها هر کسی که پول دارد می‌تواند به طور مستقیم روی نامزد مورد نظرش تاثیر بگذارد. در واقع نامزد مورد نظر به نوعی کارمند فرد پول دهنده می‌شود. طبق قانون یک شخص پولدار برای پرداخت پول به طور مستقیم به نامزدها محدودیت دارد. اما پرداخت پول به کمیته‌های فعالیت سیاسی یا سوپر پک‌ها محدودیتی ندارد. بسیاری از این کمیته‌ها حتی از خود کاندیداها هم پول بیشتری در اختیار دارند. این کمیته‌ها طبق قانون باید به طور کامل از نامزد انتخاباتی که حمایت می‌کنند، مستقل باشند. اما واقعیت این است که اکثر این سوپر پک‌ها یا کمیته‌ها توسط هواداران پولدار اما پشت پرده خود نامزدها رهبری می‌شوند.^۱

«استیفن جی. وین» استاد بازنشسته نامدار دانشگاه «جورج تاون»، در کتاب "آیا این نوع انتخابات دموکراتیک است؟" با اشاره به هزینه یک و نیم میلیارد دلاری کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ می‌نویسد:

«فرایند تعیین نامزد رقابتی‌تر و طولانی‌تر از گذشته شده است. نامزدهای موفق باید در یک سال در دو انتخابات شرکت کنند و اغلب یکی دو سال زودتر هم باید مقدمات کار را فراهم آورند. آنها مجبورند که وقت و نیروی زیادی را صرف جمع‌آوری کمک‌های مالی کنند. تبلیغات تلویزیونی و اینترنتی، نظرخواهی، جمع‌آوری کمک‌های مالی از طریق ارسال نامه و ایمیل، گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط به آرا، و سازمان‌دهی هواداران در گوشه و کنار کشور، هزینه‌های نامزدها را به شدت افزایش داده است. بنابراین، شگفت نیست که شرکت‌های مشاوره سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از طریق فعالیت‌های انتخاباتی سود سرشاری به دست آورده‌اند. در سال ۲۰۰۸، باراک اوباما به اولین نامزد یکی از دو حزب اصلی تبدیل شد که در مرحله نهایی انتخابات از دریافت کمک‌های مالی دولتی خودداری کرد و در نهایت کارزار انتخاباتی اوباما پنج برابر کارزار انتخاباتی مک‌کین پول خرج کرد. در اکتبر ۲۰۱۸، روزنامه "واشنگتن پست" گزارش داد که از زمانی که دیوان عالی به "ابرا کمیته‌های فعالیت سیاسی" اجازه داد که مبلغ نامحدودی را صرف فعالیت‌های انتخاباتی کنند، ۱۱ نفر بیش از یک میلیارد دلار به این ابرکمیته‌ها پرداخته‌اند. از میان این افراد، ۵ نفر جمهوری خواه و ۵ نفر دموکرات هستند و یک نفر، مایکل بلومبرگ، هم جمهوری خواه بوده است، هم دموکرات و هم مستقل.»^۲

درباره میزان کمک منابع مالی انتخابات آمریکا به دلیل عدم شفافیت ابهامات زیادی وجود دارد، اما عمده منابع مالی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را سرمایه‌داران میلیاردی شرکت‌ها و منابعی که ناشناس هستند، هزینه می‌کنند. روند صعودی هزینه‌های انتخاباتی افزایش سرسام‌آوری داشته و از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ میزان هزینه نامزدهای برنده انتخابات

^۱. باشگاه خبرنگاران جوان، «انتخابات آمریکا، پول و خرید رای»، ۱۳۹۱/۱/۸

^۲. بی بی سی، «آیا پول انتخابات آمریکا را مخدوش کرده است؟»، ۱۸/۱۰/۲۰۲۰

ریاست جمهوری، تقریباً چهاربرابر شده است. براساس پژوهش "زاخاری آلبرت" از دانشگاه ماساچوست، میان سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ هزینه مبارزات انتخاباتی برای عضویت در کنگره پس از تطبیق با تورم، ۶۰۰ درصد و هزینه رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۱۲۰۰ درصد افزایش یافته است. تنها در سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون در کل یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون دلار و به‌همراه دیگر نامزدها مجموعاً دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار برای انتخابات هزینه کردند. پیش‌بینی‌ها درباره انتخابات ۲۰۲۰، حاکی از ثبت یک رکورد عجیب در هزینه‌های انتخاباتی است و برخی از رقم شش تا هفت میلیارد دلاری برای آن سخن می‌گویند.^۱

برخی از حامیان مالی دونالد ترامپ

استیو شوارتزمن: مدیرعامل بلک‌استون
تیموتی ملون: وارث بانک خانوادگی ملون
لیندا مک‌ماهون: معاون سابق فدراسیون جهانی کشتی
ژئوفری پالمر: بساز و بفروش و بازیکن معروف چوگان
آیزاک پرلمتاتر: مدیرعامل مجموعه رسانه‌ای مارول
صَفرا کاتز: مدیرعامل شرکت اوراکل
چارلز شواب: موسس شرکت مشاوره سرمایه‌گذاری شواب
پل سینگر: بنیانگذار شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری الیوت
وارن استیفن: مدیرعامل بانک سرمایه‌گذاری استیفن
برنارد مارکوس: بنیانگذار شرکت تجهیزات منزل هوم دپو
روجر رینی: موسس کارگزاری اسکات‌ترید
توماس داف: مالک هلدینگ سرمایه‌گذاری داف
جفری اسپرسر: رئیس و مالک بورس اوراق بهادار نیویورک و همسرش کلی لوفلر
جان پائولسون: مدیر صندوق پوشش ریسک

^۱. روزنامه فریختگان، ۱۳۹۹/۶/۱

برخی از حامیان مالی جو بایدن

استیون اسپیلبرگ: کارگردان سینما	توماس استایر: میلیونر و نامزد سابق دموکرات‌ها	پنی پریترزکر: وزیر سابق بازرگانی	جورج سوروس: میلیاردر معروف
شان پارکر: کارآفرین و همکار سابق شرکت فیسبوک	داستین موسکوویتز: از بنیانگذاران فیسبوک	باری دیلر: مدیر اجرایی اکسپدیا	مارک پینکوس: بنیانگذار شرکت زینگا
نیکول سیستروم: همسر کوین سیستروم، از پایه‌گذاران اینستاگرام	اوان ویلیامز: از موسسان توئیتر	میشل یی: همسر رید هافمن، بنیانگذار لینکدین	جف اسکول: مدیرعامل سابق ای‌بی
لورن پاول جابز: همسر سابق استیو جابز از پایه‌گذاران شرکت اپل	ملودی هابسون: مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آریل	رید هاستینگس: بنیان- گذار و مدیرعامل نتفلیکس	نیکول شاناهان: همسر سرگئی برین، از بنیانگذاران گوگل

انتخابات پیش رو

در آمریکا هیچ فردی بدون پشتوانه مالی نمی‌تواند در انتخابات چه درون‌حزبی و چه در سطح ملی پیروز شود. به همین دلیل هرکسی در سر سودای ریاست‌جمهوری دارد، باید به دنبال راهی برای تامین هزینه‌های هنگفت انتخاباتی‌اش باشد. پیروزی در انتخابات بدون هزینه چندصد میلیون دلاری آنقدر غیرمحتمل است که در انتخابات سال جاری آمریکا، «کامالا هریس» معاون فعلی جو بایدن به دلیل عدم توانایی در جمع‌آوری کمک‌های مالی، کمپین انتخاباتی خود را تعطیل کرد.

کارشناسان سیاسی معتقدند که انتخابات در آمریکا به عنوان نماد دموکراسی غربی به تدریج در حال تهی شدن از معنای واقعی است و بیش از اینکه مردم منشا اثر و تعیین‌کننده باشند این صاحبان سرمایه هستند که تاثیر بسیار زیادی بر نتایج انتخابات دارند. اگرچه در سال‌های اخیر نقش پول در مبارزات انتخاباتی تغییر کرده اما هنوز هم سرمایه و پشتوانه مالی یکی از ارکان اصلی در انتخابات آمریکا محسوب می‌شود.

بررسی‌های تازه مرکز تحقیقاتی «سیاست پاسخگو» نشان می‌دهد که همزمان با سبقت آقای ترامپ از رقیب دموکراتش در جذب کمک‌های مالی ثروتمندان خرده پای آمریکا، آقای بایدن در حال افزایش رقم حمایت مالی شرکت‌های بزرگ در مقایسه با رقیب جمهوری خواهش است. رخدادی کم سابقه و بر خلاف رویه سنتی حاکم بر اقتصاد-سیاسی آمریکا که معمولاً حزب جمهوری خواه از پشتیبانی تضمین شده شرکت‌های بزرگ و صاحبان سرمایه‌های کلان برخوردار بود.

تحلیلگران مسائل اقتصاد-سیاسی آمریکا معتقدند که تغییر گرایش رهبران کسب و کارهای بزرگ به نامزدهای احزاب جمهوری خواه و دموکرات می‌تواند ریشه در محافظه‌کاری آنها داشته باشد. به باور آنها این محافظه‌کاری از دو راه می‌تواند بروز سیاسی داشته باشد و بر گرایش عملی آنها تاثیر بگذارد. برخی از مدیران به این نتیجه رسیده‌اند که حمایت آشکار از آقای ترامپ که با اتهام‌هایی مبنی بر گرایش‌های نژادپرستانه و جنسیت‌زده او و نیز نزدیکی به جریان‌های راست

افراطی مواجهه است، در عمل می‌تواند موجب ضربه به برند شرکت‌ها و گرایش مشتریان به محصولات آنها شود. لذا تعدادی از آنها ترجیح داده‌اند تا حمایت صریح خود را متوقف کنند.

اما برخی مدیران هم هستند که در عمل نیز حمایت خود از نامزد جمهوری خواهان را به دلیل اقدام‌های جنجالی او و اتخاذ رویکرد شوک درمانی، متوقف کرده‌اند. چرا که با وجود حمایت بسیاری از صاحبان کسب و کارها از بسط آزادی‌های اجتماعی، اکثر آنها در حوزه اقتصادی و سیاسی محافظه‌کار هستند. همچنین بسیاری از مدیران محافظه‌کار حاضر در این دسته‌بندی بر پایه نتایج نظرسنجی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که زودتر باید فاصله خود را نامزد پیروز کمتر کنند و یا همچون مدیران ارشد شرکت‌های هوم دپو و بلکا ستون، دو دسته شوند و هر یک به ستاد یکی از نامزدها کمک کند.^۱

نتیجه‌گیری

پول در انتخابات آمریکا نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. هزینه‌ها در روند انتخاباتی آمریکا برای هر یک از کاندیداها به ده‌ها و صدها میلیون دلار می‌رسد. تبلیغات و شبکه‌های تلویزیونی، افکار مردم را شکل داده و انتخابات آمریکا را به سلطه خود درآورده‌اند. دموکراسی در آمریکا به معنای واقعی کلمه با پول گره خورده است. در حالی که به صورت نظری نمی‌توان رای مردم را بی‌تاثیر دانست، اما در عمل کاندیداهای مردمی هیچ شانس برای پیروزی در انتخابات ندارند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ انتقادات از کنترل انتخابات توسط جریان پول شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. پروفیسور «رودنی شکسپیر»، اقتصاددان و استاد دانشگاه «کمبریج» معتقد است:

«پول یک دهم درصد از مردم آمریکا (قشر ثروتمند) قطعاً نقش تعیین‌کننده‌تری از رای تمام ملت آمریکا دارد. سرمایه‌داران آمریکا با در دست داشتن وسایل ارتباط جمعی همچون شبکه‌های تلویزیونی، عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخابات آمریکا بوده و لابی‌گران اصلی در نظام سیاسی آمریکا همین سرمایه‌داران هستند.»
دکتر «کوپن بارت» تحلیل‌گر سیاسی آمریکایی نیز بر این باور است که:

«فرآیند انتخاباتی در آمریکا در دهه‌های گذشته به طور گسترده‌ای توسط پول اداره شده است. بر اساس رای دادگاه عالی آمریکا که در سال ۲۰۱۰ صادر شد، هیچ‌گونه محدودیتی در خرج کردن پول در فرآیندهای سیاسی آمریکا وجود ندارد. بر این اساس امروز با توجه به شواهد، تاثیر پول در انتخابات آمریکا بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ آمریکا است. نظام آمریکا مشخصاً متعلق به گروه اندک شمار ثروتمندان و اغنیا است و نظام سیاسی این کشور نشانه‌های دموکراسی را ندارد. رای مردم تاثیرگذارترین شاخص در نظام سیاسی آمریکا نیست.»^۲

^۱ یورو نیوز، «کدام مدیران ارشد و شرکت‌های بزرگ آمریکایی از بایدن و ترامپ حمایت کردند؟»، ۲۵/۰۸/۲۰۲۰.

^۲ روزنامه کیهان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۲.